



افشاگری‌های یک رسانهٔ امریکایی اثبات کرد تحلیل و اقدام ایران برای حضور در سوریه درست بوده است

افساری برای بازیگر وحشی غرب آسیا



سرمقاله

سیر وقایع حالا اثبات می‌کند که تحلیل ایران از وقایع آن روزهای منطقه درست بوده است. کاخ سفید که با تحریم‌های ریز و درشت نفس حاکمیت سابق سوریه را تنگ کرده و به نارضایتی داخلی دامن زده بودند به محض فروپاشی دمشق و بر سر کار آمدن حاکمیتی که در سرهای سابق را برای امریکا و رژیم ندارد. در یک اتفاق تاریخی و محیرالعقول، عضو سابق القاعده در کاخ سفید مهمان رئیس‌جمهور آمریکا شد. فروپاشی دمشق یک فرصت طلایی برای آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها بود. تغییر در ژئوپلیتیک منطقه به مدد پیشران گروه‌های تکفیری فرصتی را برای محور امریکایی فراهم آورد که با جنگ و درگیری نظام فراهم نیامده بود. ایران ۱۵ سال قبل پیش‌بینی درست و دقیقی از وضعیت داشت. در روزگاری که هژمونی رسانه‌ای غرب، ایران را متهم به نظامی‌گری می‌کرد اما حالا بهتر مشخص می‌شود که اقدامات ایران نه تنها بی‌نظمی و نظامی‌گری نبود بلکه بزرگ‌ترین ابزار برای مهار بی‌نظم‌ترین بازیگر این روزهای دنیاست. بازیگر بی‌نظم و خبیثی که حتی بعضاً صدای اعتراض کارفرمایان آمریکایی و اروپایی خود را هم در می‌آورد. ■

جمهوری اسلامی ایران آن بود که آنچه از ابتدای دههٔ ۹۰ در سوریه در حال رخ دادن است نه یک ناآرامی و اعتراض داخلی بلکه پروژه‌ای امنیتی و منطقه‌ای برای خروج سوریه از مدار ضداسرائیلی منطقه است. تحلیل تهران آن بود که حاکمیت دمشق در عین تجدیدنظر برای خواست داخلی مردم اما باید همچنان باقی بماند چراکه سقوط این نظام سیاسی تأثیراتی منطقه‌ای داشته و دست رژیم صهیونی را برای توسعه‌طلبی بیشتر باز خواهد گذاشت. بر مبنای همین تحلیل هم جمهوری اسلامی ایران بعد از شدت گرفتن ناآرامی‌ها علیه حاکمیت سابق سوریه، وارد فاز مستشاری برای جلوگیری از سقوط دمشق شد. تحلیل تهران آن بود که وقایع سوریه برخلاف برخی اتفاقات در سایر کشورهای عربی مانند مصر و لیبی و تونس که از عقبهٔ عمیق اجتماعی برخوردار بود اما در سوریه با همهٔ نقدها به نظام سیاسی‌اش، یک ارادهٔ خارجی پشت اعتراضی داخلی پنهان شده تا در صورت فراهم شدن فرصت، پروژهٔ ضدامنیتی خود را پیش ببرد. پروژه‌ای که قرار بود در مرحلهٔ اول منافع منطقه‌ای کاخ سفید و در مرحلهٔ دوم هم منافع میان‌مدت رژیم صهیونی را تأمین کند.

لبنان پس از فروپاشی نظام سیاسی سابق سوریه است. موضوعی که باعث فراغ‌بال رژیم صهیونی برای تحت فشار گذاشتن مقاومت در لبنان و آسودگی خیال او از جبههٔ سوریه شد. مسألهٔ مهم دیگر خروج سامانه‌های شنود و پایش رژیم از سوریه پس از فروپاشی حاکمیت سیاسی است. موضوعی که به تعبیر این رسانهٔ امریکایی باعث ایجاد یک سیاه‌چالهٔ راداری و امنیتی شده و دست ناوگان هوایی رژیم را برای مانور در منطقه و حمله به ایران بازر کردند. اهمیت حلقهٔ دفاعی سوریه با همهٔ ضعف‌هایش اما به حدی بوده که این رسانهٔ امریکایی نقل می‌کند ترامپ در دیدارهای محرمانه خود با نتانیاهو، سقوط دمشق را «چراغ سبز نهایی» برای اجرای عملیات علیه ایران و سایت‌های هسته‌ای آن معرفی کرده بود. طبق افشاگری این رسانه امریکایی، پنج ماه قبل از حمله به ایران، ترامپ در دیدار با نتانیاهو گفته بود حالا که دمشق از دست رفته، وقتش رسیده! با کنار هم قرار دادن این موضوعات درستی تحلیل راهبردی ایران از وقایعی که در دههٔ ۹۰ در سوریه و عراق رخ داده بود اثبات می‌شود. ایران می‌دانست که برای دفاع نباید به پشت مرزهایش تکیه کند. تحلیل راهبردی

گزارش اخیر رسانهٔ امریکایی واشنگتن پست دربارهٔ همگرایی فریبکارانهٔ امریکا و رژیم صهیونی برای حمله به ایران هرچند یک خروجی رسانه‌ای در راستای نظام رسانه‌ای غرب علیه ایران است اما در ضمن خود حاوی گزاره‌هایی است که صحت و درستی ارزیابی راهبردی تهران از وقایع یک دههٔ اخیر منطقه را به وضوح نشان می‌دهد. اینکه حضور مستشاری در عراق و در ادامه هم در سوریه علیه گروه‌های ریز و درشت تکفیری نه تنها ایجاد یک تور حفاظتی برای جلوگیری از تکثیر ویروس تروریسم در منطقه بود بلکه کارکرد دیگر آن یک معماری امنیتی برای مهار دشمن صهیونی و جلوگیری از دست‌درازی او به ایران است. واشنگتن پست در بخش‌هایی از گزارش خود عنوان می‌کند سقوط سوریه مسیر تدارکاتی ایران به سواحل مدیترانه و حمایت از گروه‌هایی مانند حزب‌الله را مسدود کرد. این رسانهٔ امریکایی تصریح می‌کند که با سقوط سوریه و خروج گروه‌های مقاومت از این کشور اسرائیل مجال یافت تا با خیالی آسوده از عدم پاسخگویی مؤثر از خاک سوریه بر روی نفوذ به لایه‌های دفاعی در عمق خاک ایران تمرکز کند. نکتهٔ مهم دیگر در این گزارش، سخت شدن حمایت لجستیکی از حزب‌الله

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	حریم وطن، ای اسوه‌های صبر و ایثار؛ شما را درود می‌فرستیم و بر دستانتان بوسه می‌زنیم. شما در برابر سختی‌ها و ناملایمات، مقاوم و استوار ایستاده‌اید و با جان و دل از کین این سرزمین دفاع می‌کنید. ما به وجود شما افتخار می‌کنیم، به شما می‌بالیم و پشت سر رهبرمان، در کنار شما هستیم.	الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. درود بر نیروهای مسلح ایران، دلاورمردان و شیرزنان این سرزمین. از رشادت‌ها، فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های شما قدردانی می‌کنم. شما پاسداران امنیت و آرامش این مرز و بوم هستید و ما قهرمانان زحمات شبانه‌روزی شما هستیم. ای ایستادگان همیشه بیدار، ای حافظان
--	--	---

سلام
 این صدای ملت ایران است

نقشه‌راه

آمادگی همه‌جانبه ایران؛ پیام روشن به هر متجاوز

امروز بحمدالله ملت عزیز ما در سرتاسر کشور، جوانان ما، مردم ما، احساس آمادگی برای دفاع از کشورشان میکنند؛ برای پیشبرد کشور احساس آمادگی میکنند. امروز ملت ایران در مقابله‌ی با دشمنان خود احساس قدرت میکند. این احساس قدرت، یک احساس کاذب نیست؛ یک احساس واقعی است؛ متکی به واقعیات است. این را دشمنان ما هم میدانند. ما به پیروی از تعالیم اسلام، اهل تجاوز و تعرض به این و آن نیستیم؛ اما اهل کوتاه آمدن در مقابل هیچ متجاوزی هم نیستیم. ملت ایران و نیروهای مسلح آنچنان آماده هستند که گمان و خیال و توهم تجاوز و تعدی را از سوی دشمنان هم اجازه نمیدهند و با آمادگی خود، با روحیه‌ی همیشه حاضر و پابه‌کار خود، آنچنان هیبتی از خود در دل دشمن به وجود آورده‌اند که آنچه شما در دنیا میبینید از این حرفهائی که میزنند، در همه‌ی دنیا حمل بر لاف و گراف میشود. این آمادگی را باید حفظ کنید، روزه‌روز آن را تقویت کنید؛ و بدانید هر حرکت شما برای توانا کردن و معنوی کردن و منظم کردن نیروهای مسلح، حسنه‌ای است که خدای متعال آن را به حساب می‌آورد.

رهبر انقلاب اسلامی؛ ۱۳۹۱/۰۷/۲۱

رهبر انقلاب در دی‌ماه ۱۳۸۲ و پس از وقوع زلزله مهیب بم، برای پیگیری وضعیت امداد رسانی و بازسازی دوبار بدون اعلام قبلی به این شهر سفر کردند.



بم، ۲۶/۱۰/۱۳۸۲

قاب

همراه روزهای محنت بم

بهار ۱۳۶۴ بود که اصفهان، او را در آغوش گرفت؛ پُری با ذهنی کنجکاو و قلبی پر از تعهد. مسیر دانش را از هنرستان تا دانشگاه فنی با جدیت پیمود، اما مقصدش فقط پیشرفت شخصی نبود. وقتی لباس سبز نیروی هوافضای سپاه را پوشید، می‌دانست علم باید در خدمت امنیت مردم باشد. در خانه، پدر و همسری مهربان بود؛ هم‌دل سه فرزندش و هم‌قد بازی‌های کودکانه‌شان. یک ماه پیش از پرکشیدن، خوابی دید؛ خیمه‌ای نورانی و جمعی از رفقا. هر دستی که به امام زمان ﷺ می‌رسید، به شهادت ختم می‌شد، اما علی اصغر ماند؛ انگار مأموریتش هنوز تمام نشده بود. پیش از اعزام، از پدر رضایت گرفت و با دلی آرام به محل خدمت بازگشت. بعد از عملیات‌های وعده صادق، وقتی خسته و خاکی به خانه می‌آمد، با لبخند به فرزندانش می‌گفت: «رفته بودم باغبانی.» سادگی این واژه، نقابی بود بر مسئولیتی بزرگ، روزی که شادی کودکان فلسطینی را دید، اشک ریخت و گفت: «خدایا، اگر ذره‌ای در این شادی نقشی داشته‌ام، در نامه‌ی معلم قرار بده.» ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ در جریان حمله‌ی رژیم صهیونیستی، پاسدار علی اصغر صفری قدم به باغ جاودانه‌ی شهدا گذاشت. پیکرش در گلستان شهدای اصفهان آرام گرفت. باغبان رفت، تا باغ، امن تر بماند.

رسانه اعتمادی جم

فرزند ایران

باغبان